



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۹ اسفند ۸۹

مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۳۲

جلسه: ۲۰

موضوع کلی: کتاب کافی

موضوع جزئی: جمع بندی بحث اعتبار روایات کافی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مورد اعتبار روایات کافی تقریباً تمام شد و اگر خواسته باشیم یک جمع بندی از این بحث داشته باشیم می توانیم بگوییم که روایات کافی مورد اعتماد است چون ما اشکالاتی را که نسبت به اعتبار روایات کافی مطرح شده بود پاسخ دادیم و مجموعه پاسخی که به این اشکالات دادیم به ضمیمه اینکه ما در مسئله حجت خبر واحد قائل به اعتبار خبر موثوق الصدور هستیم باعث صحت روایات کافی می شود.

تکمله بحث اعتبار روایات کافی:

بحث اعتبار روایات کافی را با تذکر دو نکته مهم تکمیل می کنیم:

۱- حجت خبر موثوق الصدور:

در حجت خبر واحد دو مبنا وجود دارد:

(۱) یکی اینکه خبر واحدی که موثوق الصدور باشد حجت است، اگر ما گفتیم خبر موثوق الصدور حجت است نیازی به بررسی تک تک راویان و احراز ثقه بودن روات نداریم چون مهم این است که انسان به صدور روایت از معصوم اطمینان پیدا کند، ممکن است یک روایتی از نظر سندی ضعفهایی داشته باشد ولی قرائنی در کنار آن روایت باشد که این قرائن موجب وثوق و اطمینان به صدور از معصوم بشود که اگر ما این مبنا را در حجت خبر واحد پذیرفتیم ولو اینکه خبری مشتمل بر روایتی باشد که ضعیف باشند اما اگر قرائنی کنار آن باشد که موجب وثوق به صدور آن روایت شود آن خبر برای ما حجت است

(۲) مبنای دوم در حجت خبر واحد این است که خبری حجت است که راوی آن ثقه باشد که در این صورت باید ثقه بودن راوی احراز شود. طبق این مبنا احتمال سند روایت بر یک راوی ضعیف و غیر ثقه روایت را از حجت ساقط می کند.

پس اگر مبنای ما در باب حجت خبر این باشد که بگوییم خبر موثوق الصدور حجت است بسیاری از مشکلاتی که در رابطه با کتاب کافی و سایر کتب اربعه مطرح می شود حل می شود برای اینکه ما می گوییم بخشی از روایات کافی که سند آنها صحیح است مشکلی ندارد، البته در اینکه عدد اسناد صحیح روایات کافی چقدر است اختلاف است مثلاً مرحوم محدث بحرانی روایات صحیح را از غیر صحیح تفکیک کرده اند و مدعی هستند که از ۱۶۰۰۰ روایتی که در کتاب کافی ذکر شده است ۵۰۷۲ روایت صحیح است و ۱۱۸ روایت موثوق هستند و ۳۰۲ روایت قوی هستند و ۹۴۸۵ روایت ضعیف هستند، مرحوم مجلسی هم در

مرءات العقول و افراد دیگری هم این تفکیک را انجام داده‌اند، آنچه که مسلم است این است که بخش زیادی از روایات کافی صحیح می‌باشند آن بخش‌هایی هم که روایات ضعیف یا حسن یا موثق هستند (بنا بر اصطلاح متأخرین) به نظر می‌رسد که آنها هم با توجه به جهات و قرائنی معتبرند که یکی از آن قرائن این است که این روایات عمدتاً از اصول و کتب مشهوره اخذ شده‌اند که اخذ از کتب معروفه و مشهوره موجب اعتبار روایت می‌شود، بخشی از این روایات چون طریق نقل آنها منحصر نیست و طرق متعدد برای نقل آنها وجود دارد که بعضی از آن طرق قطعاً قابل قبول هستند لذا بخشی از روایات هم به این قرینه به صدور آنها اطمینان پیدا می‌کنیم، بخشی از روایات هم بواسطه قرائن دیگری مثل اجماع، ظاهر دلیل، ظاهر کتاب، ظاهر سنت و... به صدور آنها اطمینان پیدا می‌کنیم لذا ما اگر بخواهیم در یک نگاه کلی به روایات کافی بنگریم و آنها را از نظر اعتبار و عدم اعتبار ارزیابی کنیم می‌گوییم روایات کافی معتبرند چون یا خود روایات کافی فی نفسها واجد شرائط حجیت هستند و یا اینکه در کنار آنها قرائن قابل اعتمادی وجود دارد که برای ما این اطمینان را ایجاد می‌کند که روایاتی که در کتاب کافی وجود دارد قابل اعتماد هستند و صحیح می‌باشند. پس ما مجموعاً با توجه به جهاتی که گفته شد می‌گوییم روایات کافی صحیح می‌باشند.

۲- صحیح قدمایی و متأخرین:

صحیح قدمایی با صحیح متأخرین فرق می‌کند آنچه ما به آن اشاره کردیم که بعضی بین روایات صحیح و غیر صحیح کافی تفکیک قائل شده‌اند بر اساس اصطلاح متأخرین است. اصطلاحات حدیثی و اقسام حدیث بین قدما و متأخرین متفاوت است نکته مهمی که در اینجا وجود دارد و توجه به آن لازم است این است که صاحب وسائل در کتاب وسائل عبارت «بالآثار الصحیحه عن الصادقین(ع)» را نقل می‌کند و می‌گوید: روایات کافی بر طبق اصطلاح قدما صحیح شمرده می‌شدند یعنی آنچه که بواسطه قرائن قطعیه یا تواتر از معصومین(ع) ثابت شده است.^۱

از یک طرف مرحوم کلینی اذعان می‌کنند که روایات کافی صحیح است و از طرف دیگر مخصوصاً در بین متأخرین این تفکیک را ما ملاحظه می‌کنیم که تعدادی از روایات کافی را صحیح و تعدادی را غیر صحیح دانسته‌اند و بین روایات کافی تفکیک داده‌اند که به این تفکیک‌ها اشاره کردیم، این را باید توجه داشته باشیم که اصطلاحات حدیثی قدما و متأخرین با هم متفاوت است قدما می‌گفتند: روایات دو دسته‌اند: صحیح و غیر صحیح، متأخرین روایات را چند دسته کرده‌اند و می‌گویند: صحیح، موثق، حسن، ضعیف، که معلوم می‌شود صحیح در نزد قدما با صحیح در نزد متأخرین فرق می‌کند.

صحیح قدمایی عبارت است از: روایتی که اطمینان به صدور آن از معصوم حاصل شود و فرقی نمی‌کند که این اطمینان ناشی از وثاقت راوی باشد یا از قرائن دیگر حاصل شود.

قرائنی که قدما با اعتماد بر آن قرائن روایت را صحیح می‌دانستند عبارت بودند از:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۷۱.

وجود حدیث در بسیاری از اصول اربعه‌آم، تکرار حدیث در یک یا چند اصل معتبر و مشهور با طرق مختلف، وجود حدیث در یک اصل یا کتاب متعلق به یکی از اصحاب اجماع مثل ابن ابی عمیر یا وجود روایت در کتبی که به تأیید و امضاء ائمه (ع) رسیده باشد. اینها قرائنی بود که به اعتبار این قرائن قدما روایت را صحیح می‌دانستند ولو اینکه راوی روایت ثقة نباشد ولی به مرور این قرائن یا مخفی شده و یا از بین رفته به گونه‌ای که دسترسی به این قرائن برای عصرهای بعد از عصر قدما مقدور نبود و وقتی این قرائن از بین رفت نمی‌توانست برای متأخرین به عنوان قرائن صحت مورد استناد قرار بگیرد لذا شروع کردند به دسته بندی و بررسی وضعیت راویان حدیث و بر اساس این دسته بندی، صحت معنای جدیدی پیدا کرد و اقسام و انواع روایات بیشتر شد لذا صحیح در اصطلاح متأخرین با صحیح در اصطلاح قدما فرق می‌کند و نسبت بین این دو اعم و اخص مطلق است و صحیح قدمایی اعم از صحیح متأخرین می‌باشد.

صحیح متأخرین عبارت است از: روایتی که سند آن روایت به امام معصوم متصل باشد و راویان آن حدیث در همه طبقات امامی و عادل باشند.

پس بسیاری از روایاتی که در نزد قدما صحیح بوده ممکن است که در نزد متأخرین ضعیف باشند و بخاطر همین اختلاف بوده که متأخرین به تفکیک روایات کافی پرداخته‌اند. مثلاً اگر راوی یک روایت ثقة باشد ولی امامی نباشد آن روایت را موثقه می‌دانند نه صحیح، یا اگر راوی یک روایت ثقة نباشد و تضعیف شده باشد آن روایت را ضعیف می‌شمارند، پس وقتی ما می‌گوییم دو نوع اصطلاح درباره صحیح وجود دارد صحیح قدمایی و صحیح متأخرین، این ارزیابی ما را از کتاب کافی متفاوت می‌کند. وقتی می‌بینیم مرحوم کلینی نوشته «بالآثار الصحیحه عن الصادقین (ع)» قطعاً منظور ایشان از این عبارت صحیح قدمایی می‌باشد بنابراین نمی‌شود این عبارت را مورد اشکال قرار داد که چطور می‌شود تمام روایات کافی صحیح باشند در حالیکه تعداد زیادی از روایات کافی ضعف سندی دارند چون روایات کافی یا فی نفسها واجد شرائط حجیت بوده‌اند و یا مرحوم کلینی معتمداً بر قرائنی که وجود داشته اطمینان به صدور از معصوم پیدا کرده و روایات کافی را صحیح دانسته است و ما هم به همین اعتماد می‌کنیم. اینکه بعداً قرائن از بین رفته و از دسترس ما خارج شده لطمه‌ای به صحت روایات کافی نمی‌زند و ما می‌توانیم به همان صحتی که مرحوم کلینی به آن معتقد بوده اخذ بکنیم و به اعتبار اینکه نزدیک به عصر معصومین (ع) بوده بگوییم این روایات قابل اعتماد است. این محصل مطالبی بود که در مورد کتاب کافی ذکر شده بود.

بحث جلسه آینده: کتاب من لا یحضره الفقیه را در جلسه آینده بررسی و ارزیابی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»